

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران

# درس تمهیدی فی الفقه الاستدلالی

کتاب الطهارة

سطح ۲

## درس هشتم

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای مهاجری

## مقدمه

در انتهای درس گذشته دو قول در مورد مقدار حجمی آب کر بیان شد. در این درس در ابتداء به بیان مستند این دو قول می‌پردازیم و در ادامه شش مساله از مسائل مربوط به آب باران را بیان می‌کنیم و مستند سه، مساله از شش مساله را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

برای فهم بهتر این درس توصیه می‌شود که دانش پژوه به دو روایت حریز و محمد بن اسماعیل بن بزيع در درس چهارم مراجعه نماید.

## متن عربى

اما القول الاول، فتدل عليه صحيحة اسماعيل بن جابر : «سالت ابا عبد الله عليه السلام عن الماء الذى لا ينجسه شىء فقال كرت قلت و ما الكر؟ قال ثلاثة اشبار فى ثلاثة اشبار » بتقريب أن الاقتصار على ذكر بعدين يدل على ان الثالث مساو لهما و لذا حذف أجل قد يناقش فى سندها بأن الراوى عن اسماعيل هو ابن سنان، و هو مردد بين محمد و عبد الله، و حيث إن الاول لم تثبت وثاقته، فتسقط عن الحجية بيد أن هذه الناقشة غير مهمة بعد امكان التعويض برواية اخرى و اما القول الثانى فيمكن الاستدلال له برواية الحسن بن صالح الثورى عن ابي عبد الله عليه السلام : «اذا كان الماء فى الركي كراً لم ينجسه شىء . قلت و كم الكر؟ قال : ثلاثة اشبار و نصف عمقها فى ثلاثة اشبار و نصف عرضها » بالتقريب السابق فى صحيحة اسماعيل.

و الرواية المذكورة حيث انها ضعيفة السند- لعدم وثاقة الثورى، فتبقى الروايتى الاولى حجة بلا معارض .

### ماء المطر

ماء المطر كالكرك لا يتنجس بمجرد الملاقاة ما دام ينزل. و اذا اجتمع فى مكان و كان قليلاً فما دام المطر يتقاطر عليه فهو كالكرك. و اذا اصاب الشىء المتنجس طهر بلا حاجة الى عصر او تعدد اذا نفذ فى جميعه . و اذا وصل الى ظاهره دون باطنه طهر ظاهر فقط.

و المستند فى ذلك:

١- اما أن ماء المطر لا يتنجس بمجرد الملاقاة فلصحيحة هشام بن سالم عن ابي عبد الله عليه السلام : «السطح ييال عليه فتصيبه السماء فيكف فيصيب الثوب فقال لا بأس به ما اصابه من الماء اكثر منه » و غيرها فانها تدل على أن ماء المطر لا يتنجس باصابته البول.

و أما أنه يتنجس بالتغير فلاطلاق صحيحة حريز المتقدمة فى حكم الماء الكثير.

٢- و أما ان ذلك مشروط بالنزول فلأنه مع الانقطاع لا يصدق عليه عنوان ماء المطر و يكون قليلاً فيثبت له حكمه.

٣- و أما أن القليل منه بالتقاطر عليه يصير معتصماً كالكرك فلأنه يصبح ذا مادة فيشملة عموم التعليل الوارد فى صحيحة ابن بزيع المتقدمة.

## مستندات اقوال در مقدار آب کر

در مورد مقدار حجمی آب کر دو قول مشهور وجود دارد که عبارتند از:

الف: مقدار حجمی آب کر ۲۷ وجب است.

ب: مقدار حجمی آب کر  $\frac{۴۲}{۸}$  وجب است.

### مستند قول اول

مستند قول اول روایت اسماعیل بن جابر است. در این روایت در مورد مقدار آب کر از امام صادق علیه السلام سوال شده است و حضرت در جواب فرموده اند: «سه وجب در سه وجب» بنابراین مقدار حجمی آب کر از ضرب سه در سه در سه حاصل می‌شود که همان ۲۷ وجب است.

### اشکال اول

امام فقط طول و عرض آب کر را بیان داشته اند و در مورد ارتفاع آن ساکت هستند پس چطور شما ارتفاع آن را سه وجب در نظر می‌گیرید؟

### جواب

ظرف آب که بی ارتفاع نیست و وقتی امام علیه السلام ارتفاع آن را بیان می‌کند معلوم می‌شود که ارتفاع آن همان سه وجب است و الا اگر کمتر یا بیشتر بود امام علیه السلام مقدار آن را بیان می‌نمود پس از سکوت امام علیه السلام فهمیده می‌شود که ارتفاع آب همان سه وجب است و حجم آن ۲۷ وجب می‌شود.

### اشکال دوم

برخی در مورد این روایت مناقشه نموده اند و بیان داشته اند که راوی از اسماعیل بن جابر، اب ن سنان است و ابن سنان عنوانی است که بین محمد بن سنان و عبد الله بن سنان مشترک است و از آنجایی که وثاقت محمد بن سنان ثابت نشده است، روایت از حجیت ساقط می‌شود زیرا وثاقت یک از روایت آن ثابت نمی‌شود.

### جواب

روایات صحیح السند دیگری با هم‌پن مضمون به عنوان جایگزین داریم که این مشکل را حل می‌نمایند.

### مستند قول دوم

دلیل قول دوم روایتی از حسن بن صالح ثوری است که حجم آب کر را  $\frac{۳}{۵}$  وجب عمق در  $\frac{۳}{۵}$  وجب عرض بیان می‌کند و به همان بیان روایت قبل، طول آب کر هم  $\frac{۳}{۵}$  وجب است و الا امام علیه السلام بیان می‌کردند و از ضرب این مقادیر حجم  $\frac{۴۲}{۸}$  وجب به دست می‌آید.

از آنجا که وثاقت حسن بن صالح ثوری ثابت نیست، حجیت روایت مخدوش است و روایت صحیح السند جایگزین هم نداریم پس روایت قول ۲۷ و جب بدون معارض می شود و قول حق همان قول ۲۷ و جب است.

FG ۱

## تطبیق

اما القول الاول، فتدل عليه صحیحة اسماعیل بن جابر: «سالت ابا عبد الله عليه السلام عن الماء الذي لا ينجسه شيء فقال كره قلت و ما الكره؟ قال ثلاثة اشبار في ثلاثة اشبار»<sup>۱</sup> بتقريب أن الاقتصار على ذكر بعدین يدل على ان الثالث مساوٍ لهما و لذا حذف

اما بر قول اول دلالت می کند صحیحۀ اسماعیل بن جابر: «از امام صادق علیه السلام درباره آبی که چیزی آن را نجس نمی کند، سوال نمودم پس فرمود: کر، گفتم کر چیست؟ گفت: سه و جب در سه و جب»، به این تقریب که اکتفاء امام علیه السلام بر ذکر دو بعد حجم، بر این دلالت دارد که بعد سوم هم مساوی آن دو بعد است و برای همین حذف شده است. أجل قد يناقش في سندها بأن الراوي عن اسماعيل هو ابن سنان، و هو مردد بين محمد و عبد الله، و حيث إن الاول لم تثبت وثاقته، فتسقط عن الحجية بيد أن هذه المناقشة غير مهمة بعد امکان التعويض برواية اخرى<sup>۲</sup>

بله ممکن است در سند روایت اینگونه مناقشه شود که روای از اسماعیل، ابن سنان است و ابن سنان بین محمد و عبد الله مردد است و از آنجا که وثاقت محمد ثابت نیست، روایت از حجیت ساقط می شود البته این مناقشه مهم نیست زیرا می توان روایت دیگری را جایگزین این روایت نمود.

و اما القول الثاني فيمكن الاستدلال له برواية الحسن بن صالح الثوري عن ابي عبد الله عليه السلام: «اذا كان الماء في الركي كراً لم ينجسه شيء. قلت و كم الكره؟ قال: ثلاثة اشبار و نصف عمقها في ثلاثة اشبار و نصف عرضها»<sup>۳</sup> بالتقريب السابق في صحیحة اسماعیل.

و اما ممکن است بر قول دوم استدلال شود به روایت حسن بن صالح ثوری از امام صادق علیه السلام: «هنگامیکه آب در چاهها (چاه بدون جوشش) کر باشد، چیزی آن را نجس نمی کند. گفتم: کر چقدر است؟ گفت: عمق سه و نیم و جب در عرض سه و نیم و جب» به همان تقریبی که در روایت اسماعیل گذشت.

و الرواية المذكورة حيث انها ضعيفة السند - لعدم وثاقة الثوري، فتبقى الرواية الاولى حجة بلا معارض.

و از آنجایی که روایت مذکور (روایت ثوری) به خاطر عدم وثاقت ثوری ضعیف السند است، پس روایت اول (روایت اسماعیل) بدون معارض باقی می ماند.

۱. وسائل الشیعه، باب ۹ من ابواب الماء المطلق، حدیث ۷.

۲. و هي الصحیحة الثانية لاسماعيل بن جابر: «قلت لابی عبد الله: الماء الذي لا ينجسه شيء؟ قال ذراعان عمقه في ذراع وشبر سعتة» (وسائل الشیعه، باب ۹ من ابواب الماء المطلق، حدیث ۱)

۳. وسائل الشیعه، باب ۹ من ابواب الماء المطلق، حدیث ۸.

## مسائل مربوط به آب باران

در رابطه با آب باران، شش مساله عنوان شده است:

مساله اول:

آب باران مثل آب کر است و به مجرد ملاقات با نجاست متنجس نفی شود.

مساله دوم:

عدم تنجس آب باران به مجرد ملاقات با نجاست مشروط به باریدن باران است یعنی تا زمانیکه باران در حال باریدن است، آب باران مانند آب کر است.

مساله سوم:

تا زمانیکه باران در حال بارش است، آب قلیل موجود در چاله هم حکم آب کر را دارد یعنی به مجرد برخورد با نجاست متنجس نفی شود.

مساله چهارم:

آب باران به صرف برخورد با شیء متنجس آن را پاک می کند و نیازی به تعدد شستن یا فشار دادن متنجس نیست.

مساله پنجم:

برای اینکه آب لبوان تمام جسم متنجس دارای عمق را پاک نماید، باید در تمام آن نفوذ نماید.

مساله ششم:

اگر آب باران فقط به ظاهر شیء متنجس برخورد نماید، فقط ظاهر آن را پاک می نماید.

## تطبیق

### ماء المطر

ماء المطر کالکر لا یتنجس بمجرد الملاقاة ما دام ینزل. و اذا اجتمع فی مکان و کان قلیلاً فما دام المطر یتقاطر علیه فهو کالکر. و اذا اصاب الشیء المتنجس طهر بلا حاجة الی عصر او تعدد اذا نفذ فی جمیعہ . و اذا وصل الی ظاهره دون باطنه طهر ظاهر فقط.

### آب باران

آب باران تا زمانیکه در حال بارش است، مانند آب کر به صرف برخورد با نجاست متنجس ن می شود. و هنگامیکه در مکانی جمع شود و قلیل باشد، تا زمانیکه در حال باریدن است، مانند آب کر است. (یعنی به مجرد برخورد با نجاست متنجس نمی شود. و هنگامیکه به چیز متنجس برخورد نماید، اگر در تمام چیز متنجس نفوذ نماید، بدون نیاز به فشار یا تعدد شستن، آن چیز پاک می گردد. و اگر فقط به بیرون چیز نجس برخورد نماید نه به درون آن، فقط ظاهر آن پاک می شود.

### مستند مسال اول

مستند مسالۀ اول روایتی است که هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و مضمون روایت این است که کسی روی پشت بام ادرار کرده است و آب باران به آن رسیده است و جاری شده است و بر روی لباسی ریخته است که امام علیه السلام فرمودند: اشکال ندارد زیرا آب باران بیشتر از ادرار است پس معلوم می‌شود آب باران به صرف برخورد با نجاست متنجس نمی‌شود.

#### نکته

در صورتی که رنگ یا بو یا مزه آب باران در اثر برخورد با نجاست تغییر نماید، آب باران نجس می‌شود و دلیل آن اطلاق صحیحۀ حریر است که اینگونه بود: «...فاذا تغير الماء و تغير الطعم فلا توضأ منه و لا تشرب»<sup>۱</sup> یعنی اگر آب در اثر برخورد با مردار تغییر کرد، آن را ننوش و با آن وضوء نگیر و این مطلب دلالت بر نجاست آب با تغییر می‌نماید و آب مطلق است و شامل آب باران هم می‌شود.

#### تطبیق

و المستند فی ذلک:

۱- اما أنّ ماء المطر لا يتنجس بمجرد الملاقاة فلصحيحة هشام بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام : «السطح يبالي عليه فتصيبه السماء فيكف فيصيب الثوب فقال لا بأس به ما اصابه من الماء اكثر منه»<sup>۲</sup> و غيرها فانها تدلّ على أنّ ماء المطر لا يتنجس باصابتة البول.

و مستند در احکامی که بیان شد عبارت است از:

۱- اما اینکه آب باران به صرف برخورد با نجاست متنجس نمی‌شود، به دلیل صحیحۀ هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام است: «(از حضرت سوال نمودم در مورد ) پشت بام که بر آن ادرار می‌شود و باران بر آن قطره قطره می‌بارد و جاری می‌شود و به لباس برخورد می‌نماید پس حضرت فرمود: اشکالی ندارد آبی که به نجاست برخورد نموده است بیش از مقدار ادرار است» و غیر آن؛ زیرا بر این مطلب دلالت دارد که آب باران با برخورد به ادرار متنجس نمی‌شود.

و أما أنه يتنجس بالتغير فلاطلاق صحيحة حرير المتقدمة في حكم الماء الكثير.

و اما اینکه آب باران با تغییر یکی از اوصاف سه گانه آن متنجس می‌گردد، به دلیل اطلاق صحیحۀ گذشته حریر در مورد حکم آب زیاد (کر) است.

۱. نفس المصدر، باب ۳ من ابواب الماء المطلق، حدیث ۱.

۲. نفس المصدر، باب ۶ من ابواب الماء المطلق، حدیث ۱.

## مستند مسأله دوم و سوم

### مستند مسأله دوم

دلیل اینکه عدم تنجس آب باران مشروط به باریدن باران است این است که در صورت قطع بارش، آب باران بر آن آب صدق نفی کند و اگر قلیل باشد به صرف برخورد با نجاست متنجس می‌شود.

### مستند مسأله سوم

بیان شد که اگر آب باران در ظرفی باشد و قلیل باشد ولی بارش باران بر آن ادامه داشته باشد، این آب در حکم کر است و به صرف برخورد با نجاست متنجس نفی شود؛ دلیل این مطلب این است که در صورت ادامه بارش صدق می‌کند که «له ماده» یعنی این آب دارای منبع و ماده است زیرا به آب باران وصل است و در این صورت صحیحه محمد بن اسماعیل «کتبت الی رجل اسأله أن یسال ابا الحسن الرضا علیه السلام فقال : ماء البئر واسع لا یفسده شیء الا ان یتغیر ریحہ او طعمه فینزح منه حتی یذهب الریح و یطیب طعمه لأن له ماده» ۱ شامل آن می‌شود و حکم به عدم نجاست آن به صرف برخورد با نجاست می‌نماید

*FG ۲.*

### تطبیق

- ۲- و أما ان ذلك مشروط بالنزول فلأنه مع الانقطاع لا یصدق علیه عنوان ماء المطر و یكون قلیلاً فثبت له حکمه.
- ۲- و اما اینکه (عدم تنجس آب باران) مشروط به بارش باران است، به دلیل این است که با قطع باران عنوان آب باران بر آن صدق نفی کند و قلیل است پس حکم آب قلیل (تنجس به مجرد برخورد) بر آن ثابت می‌شود.
- ۳- و أما أن القلیل منه بالتقاطر علیه یصیر معتصماً کالکر فلأنه یصبح ذا ماده فیشمله عموم التعلیل الوارد فی صحیحة ابن بزیر المتقدمه.
- ۳- و اما اینکه مقدار قلیل آب باران در صورت ادامه بارش، مثل آب کر به مجرد برخورد با نجاست متنجس نمی‌شود، به خاطر این است که (با ادامه بارش) دارای ماده و منبع می‌شود پس عموم علت وارد شده در صحیحه گذشته ابن بزیر شامل آن می‌شود. (و حکم به عدم تنجس آن به مجرد برخورد با نجاست می‌نماید).

Sco4: ۳۱: ۰۱

۱. نفس المصدر، باب ۱۴ من ابواب الماء المطلق، حدیث ۷.



## چکیده

۱. صحیحۀ اسماعیل بن جابر بر این دلالت دارد که حجم آب کر ۲۷ وجب است.
۲. صحیحۀ مذکور به ضعف سند مبتلا است ولی این ضعف اشکالی ایجاد نمی‌کند زیرا روایت جایگزین با همین مضمون وجود دارد.
۳. روایت حسن بن صالح ثوری حجم آب کر را ۴۲ و هفت هشتم وجب می‌داند ولی دچار ضعف سند می‌باشد بنابراین قول حق همان ۲۷ وجب است.
۴. آب باران تا زمانیکه باران در حال باریدن است به مجرد برخورد با نجاست نجس نمی‌شود حتی اگر قلیل باشد.
۵. آب باران اگر به شیء متنجس برخورد کند و در تمام آن نفوذ نماید آن را پاک می‌کند و نیازی به فشار دادن یا تعدد شستشو نیست و اگر فقط به ظاهر آن برخورد نماید، فقط ظاهر آن را پاک می‌نماید.
۶. صحیحۀ هشام بن سالم بر این دلالت می‌کند که آب باران به مجرد برخورد با نجاست متنجس ن می‌شود و همچنین صحیحۀ حریر بر این مطلب دلالت دارد که اگر آب باران در اثر برخورد با نجاست تغییر نماید، متنجس می‌شود.
۷. عدم تنجس آب باران مشروط به نزول باران است زیرا در صورت عدم بارش، آب باران بر آن صدق نمی‌کند.
۸. در صورت بارش، آب باران و لو اینکه قلیل باشد، در حکم کر است زیرا صدق می‌کند که « له ماده » و آبی که دارای ماده و منبع باشد، بنا بر صحیحۀ ابن بزیر به صرف برخورد، نجس نمی‌شود.